

The Future Perspective of the Singapore Convention on Mediation in Asia

(Type of Paper: Research Article)

Hoorieh Hosseini Akbarnejad*

Abstract

On 26 June 2018, the United Nations Commission on International Trade Law [UNCITRAL] approved the final drafts of the Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation (the Singapore Convention). The goal of the Singapore Convention is to encourage international mediation in the same way that the New York Convention facilitates the recognition and enforcement of international arbitration awards. The mechanism provided in the Convention is based on national provisions and measures. The Convention provides a uniform, efficient framework for the recognition and enforcement of mediated settlement agreements that resolve international, commercial disputes. The Singapore Convention has great potential to impact the conduct of international dispute resolution in Asia, where mediation is viewed as a valuable tool to resolve commercial disputes as it is consistent with Asian values and culture. It is hoped that Asian jurisdictions will widely support the Singapore Convention, and thereby usher in a brighter future for Asian dispute resolution.

Keywords

Commercial Disputes, Settlement, The Singapore Convention, Mediation.

* Assistant Prof., Faculty of Law, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: hooriehosseini@Modares.ac.ir

Received: December 14, 2019 - Accepted: July 13, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

چشم‌انداز آینده کنوانسیون سنگاپور در مورد میانجی‌گری در منطقه آسیا

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

حوریه حسینی اکبرنژاد*

چکیده

در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۸، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد، پیش‌نویس کنوانسیون موافقت‌نامه‌های بین‌المللی حل‌وفصل از طریق میانجی‌گری (کنوانسیون سنگاپور) را تصویب کرد. هدف کنوانسیون سنگاپور، ترویج و ترغیب میانجی‌گری بین‌المللی است، به همان ترتیبی که کنوانسیون نیویورک، شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی را تسهیل و تقویت می‌کند. سازوکار طراحی شده در این معاهده، مبتنی بر موازین و اقدامات ملی است و دولت‌های عضو را متعهد می‌کند که اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی میانجی‌گری را به این ترتیب تضمین کنند. کنوانسیون سنگاپور، از ظرفیت بالقوه مطلوبی برای حل اختلافات فرامرزی تجاری در منطقه آسیا برخوردار است، جایی که میانجی‌گری در آن به‌منزله شیوه‌ای ارزشمند برای حل اختلافات مورد پذیرش است و منطبق با ارزش‌ها و فرهنگ آسیایی است و بر همین اساس، پیش‌بینی می‌شود با استقبال دولت‌های آسیایی برای عضویت مواجه خواهد شد و آینده‌ای روشن برای این شیوه حل‌وفصل اختلافات در این منطقه مورد انتظار است.

کلیدواژگان

اختلافات تجاری، حل‌وفصل، کنوانسیون سنگاپور، میانجی‌گری.

* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: hooriehhosseini@Modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

مقدمه

یکی از اهداف ملل متحد در منشور عبارت است از حل و فصل اختلافات بین‌المللی با روش‌های مسالمت‌آمیز و براساس اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، بر همین اساس، سازمان و اعضای آن باید در راستای تحقق این هدف مهم اقدام کنند (صلح‌چی و نژندی منش، ۱۳۷۸: ۴۰-۳۹). میانجی‌گری از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات است، که در آن طرف‌های اختلاف با توافق یکدیگر، شخص ثالث بی‌طرف و متبجری را به‌عنوان میانجی و به‌منظور تسهیل در روند حل و فصل اختلاف خود انتخاب می‌کنند تا آن شخص با استفاده از شیوه‌های مناسب، مذاکرات آنان را تسهیل و اداره و به آنان کمک کند تا خود آنها اختلافشان را حل و فصل کنند و با یکدیگر به توافق برسند. میانجی‌گری، به‌ویژه مناسب حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است، چراکه اولاً، با بیشترین سرعت و کمترین هزینه و در فضایی محرمانه، اختلاف را حل و فصل می‌کند و دیگر آنکه طرف‌های اختلاف بین‌المللی بنا به دلایلی چون بی‌اعتمادی به دادگاه‌های ملی، ناآگاهی از قوانین خارجی، پیش‌بینی‌پذیر نبودن رأی دادگاه و دشواری اجرای رأی دادگاه در کشور خارجی، تمایل دارند اختلافات بین‌المللی خود را برای حل و فصل به میانجی‌گری ارجاع دهند و در یک مرجع رسیدگی واحد و طی یک مرحله به حل و فصل جهانی دست یابند (شهبازی‌نیا و ملک‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۸، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد،^۱ پیش‌نویس کنوانسیون موافقت‌نامه‌های بین‌المللی حل و فصل از طریق میانجی‌گری (کنوانسیون سنگاپور)^۲ را بدون اصلاح، تصویب کرد (UNCITRAL Rep, A/73/17, 2018). پیشینه این کنوانسیون ناظر بر مذاکرات مطرح در سال ۲۰۱۴، در خصوص پیشنهاد ایالات متحده آمریکا برای تدوین کنوانسیون چندجانبه‌ای بود که التزام به توافقات حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی را بهبود بخشد (CHUA, 2019: 195) در این مقاله، ابتدا اهمیت و چرایی اینکه میانجی‌گری به‌عنوان موضوع یک معاهده بین‌المللی باشد، تبیین و سپس شرایط ماهوی و اجرایی مقرر در کنوانسیون سنگاپور از جمله ویژگی‌های موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری مشمول کنوانسیون، ضوابط شکلی لازم و موارد خارج از شمول کنوانسیون بررسی خواهد شد. شرایط و چگونگی اجرای کنوانسیون سنگاپور در نظام بین‌المللی از دیگر مباحث مهم است که دیدگاه‌های مختلف در مورد آن مطرح خواهد شد و در ادامه کنوانسیون سنگاپور با سازوکارهای موجود اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری (سازوکار مقرر در دستورالعمل اتحادیه اروپا در زمینه میانجی‌گری و سازوکار اجرایی مرکز دآوری بین‌المللی سنگاپور و مرکز میانجی‌گری بین‌المللی سنگاپور) مقایسه و در آخر چشم‌اندازی از اجرای کنوانسیون سنگاپور در منطقه آسیا ارائه خواهد شد.

1. the United Nations Commission on International Trade Law [UNCITRAL]

2. the Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation (the Singapore Convention)

بنابراین تلاش می‌شود تا با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، علاوه بر تبیین مفاد کنوانسیون که به دلیل عدم ارائه تفسیر رسمی یا گزارش‌های تبیینی از سوی مرجع تدوین‌کننده (کمیسون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد) از اهمیت زیادی برخوردار است، ارائه رهیافت تحلیلی از چرایی و ضرورت تصویب چنین معاهده‌ای در حوزه حل و فصل اختلافات بین‌المللی و مقایسه آن با سازوکارهای موجود مورد اهتمام قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت میانجی‌گری به عنوان موضوع یک معاهده بین‌المللی

امروزه شیوه‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی به عنوان موضوعی مهم مورد توجه اعضای جامعه بین‌المللی قرار دارد و چالش اصلی آن است که از میان شیوه‌های مرسوم، کدام یک متضمن تأمین ملاحظات از جمله سرعت بیشتر، هزینه کمتر، کارآمدی و مؤثر بودن، انعطاف‌پذیری و... برای طرفین اختلاف است.

میانجی‌گری از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف است که خارج از دادگاه به طریقی دوستانه سعی در حل اختلاف دارد. تعریف دیگر از میانجی‌گری عبارت است از روش غیرترافیعی حل اختلاف که در آن شخص ثالث بی‌طرف و منتخب طرفین، روند حل اختلاف را تسهیل و در جهت دستیابی به توافق، طرفین را یاری می‌کند (سلیمی و زارع، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۳).

از جمله عوامل افزایش اقبال به میانجی‌گری به عنوان یک شیوه حل و فصل اختلافات تجاری آن است که طی سال‌های اخیر، با اینکه داوری در مقایسه با شیوه قضایی و دادخواهی، به دلیل سرعت بیشتر و هزینه کمتر، خصوصی و محرمانه بودن آن و اختیار طرفین دعوا در تعیین تشریفات حل اختلاف مورد پذیرش بود، اما رفته‌رفته برخی مزیت‌های داوری بر رسیدگی دادگاهی رنگ باخته و داوری شکل و شمایل رسیدگی دادگاهی به خود گرفته است. با افزایش قاعده‌مندی و پیچیدگی داوری، سرعت رسیدگی کاهش و هزینه‌های داوری افزایش یافت. دلایلی از این دست سبب گرایش رو به فزونی تجار بین‌المللی به روش‌های حل اختلاف جایگزین ساده‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر از قبیل میانجی‌گری شده است (نیکبخت و ادیب، ۱۳۹۶: ۸۲). به این ترتیب در حال حاضر، میانجی‌گری از پرکاربردترین شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات است که مهم‌ترین ویژگی‌اش، بالا بودن ضریب محرمانگی است (شهبازی‌نیا و ملک‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۳۴). محرمانه و خصوصی بودن بدین معناست که هر آنچه در جلسات میانجی‌گری مطرح می‌شود یا مدارکی که در جریان میانجی‌گری ارائه می‌شود، کاملاً محرمانه است. در واقع طرفین اختلاف بدون ترس از افشای گفته‌ها و مدارکشان باید بتوانند در خصوص اختلاف بحث و تبادل نظر کنند و هریک از طرفین و میانجی مکلف به حفظ اسرار طرف دیگر در حین میانجی‌گری و پس از آن هستند (سلیمی و زارع، ۱۳۹۵: ۹۲). اما فراتر از جایگاه و اهمیت

میانجی‌گری به‌عنوان یک شیوه حل‌وفصل اختلاف در نظام بین‌المللی، مسئله مهم آن است که ضرورت تصویب یک معاهده با این موضوع چیست؟ آیا سازوکارهای موجود در زمینه تسهیل و تقویت میانجی‌گری از کارایی لازم برخوردار است یا خیر؟ در پاسخ به این مسئله، لازم است به شیوه‌های مشابه حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی نیز نیم‌نگاهی داشته باشیم که در این زمینه، داوری اهمیت زیادی دارد. تجربه تصویب کنوانسیون نیویورک، که متضمن اجرای آرای داوری بین‌المللی است و نقش آن در حل‌وفصل اختلافات تجاری در سطح بین‌المللی و اجرای آرای داوری، بسیار مثبت و مؤثر ارزیابی می‌شود. کنوانسیون نیویورک در بهبود کیفی و کمی حل‌وفصل اختلافات تجاری بین‌المللی، موجد تحولات بسیار بوده است. تاکنون، در عمل مقبولیت شیوه داوری برای حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی بیش از سایر شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی است. یکی از دلایل این گرایش، تصویب کنوانسیون نیویورک در سطح وسیع است که موجد چارچوب حقوقی برای شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌ها و آرای داوری است. مطابق کنوانسیون نیویورک، آرای داوری از ضمانت و پشتوانه‌ای مشابه آرای محاکم داخلی برخوردارند. با وجود این، با توجه به هزینه‌های روبه‌فزونی و طولانی بودن داوری، توجهات در سال‌های اخیر معطوف به شیوه میانجی‌گری به‌عنوان حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی شده است. انعطاف‌پذیری میانجی‌گری، برخی موانع و معضلات داوری را برطرف کرده است. با این حال، در صورت انجام میانجی‌گری، چارچوب حقوقی جامعی برای اجرای موافقت‌نامه بین‌المللی حل‌وفصل اختلاف از این طریق وجود ندارد. در نتیجه طرفین اختلاف مجبور به اجرای موافقت‌نامه‌های مزبور از طریق طرح دعاوی نقض قرارداد در دادگاه‌های داخلی‌اند. به این ترتیب، وقتی که یکی از طرفین موافقت‌نامه میانجی‌گری مرتکب نقض تعهدات می‌شود، طرف دیگر برای اجرای موافقت‌نامه مجبور به شروع روند رسیدگی مجزایی در دادگاه یا از طریق داوری می‌گردد و از این‌رو، اختلاف جدیدی بعد از حل اختلاف قبلی ایجاد خواهد شد که متضمن صرف وقت و هزینه مضاعف است. در واقع کارکرد اصلی کنوانسیون سنگاپور تعدیل این معضل حقوقی و درصدد پاسخگویی به خلأهای موجود مبنی بر عدم تمایل به میانجی‌گری از بیم تشدید بعدی اختلافات در صورت توسل به این شیوه است. کنوانسیون سنگاپور با ایجاد نظام اجرایی برای موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل اختلافات از طریق میانجی‌گری، مشابه نظام شناسایی و اجرای آرای داوری مندرج در کنوانسیون نیویورک را طراحی کرده است. البته در مورد میانجی‌گری، حتی زمانی که اغلب دولت‌ها با توافقات میانجی‌گری موافق‌اند، این ترس و تردید همواره وجود دارد که یک طرف مخالف با حل‌وفصل، با خروج از توافق، طرف مقابل را برای اجرای موافقت‌نامه مجبور به شکایت و دادخواهی در کشور دیگری کند و به این ترتیب، ضمن تحمیل هزینه میانجی‌گری، اجرای مؤثر و سریع آن محقق نمی‌شود. بر همین اساس، کنوانسیون جدیدی برای پاسخ به این دغدغه و نگرانی به تصویب رسید. این کنوانسیون

از ۷ اوت ۲۰۱۹، برای امضا مفتوح است و تا نوامبر ۲۰۱۹ تعداد ۵۱ کشور، کنوانسیون سنگاپور را امضا کرده‌اند، درحالی‌که این تعداد امضا در مرحله مشابه برای کنوانسیون نیویورک ۲۴ مورد بوده است (Heep & Martin, 2020: 1-2). این میزان مشارکت مؤید اهمیت و ضرورت این مسئله از سوی دولت‌هاست. یکی از نکات بسیار مهم در تحلیل مفاد کنوانسیون سنگاپور و واکنش جامعه بین‌المللی نسبت به آن، ترجیح دولت‌ها مبنی بر تصویب یک معاهده به جای اسناد نرم‌تر است، چراکه یک سند الزام‌آور مانند کنوانسیون، متضمن قطعیت لازم و موجب ارتقای میانجی‌گری در تجارت بین‌الملل خواهد بود (LO, 2014: 135-136).

بنابراین، هدف اصلی کنوانسیون سنگاپور، تمهید و تضمین اجرای میانجی‌گری برای حل و فصل اختلافات تجاری فرامرزی است، تدوین‌کنندگان کنوانسیون، درصدد برآمدند که مشابه اعتباری که کنوانسیون نیویورک به نهاد داوری داد، از طریق این کنوانسیون به میانجی‌گری اعطا شود. نکته قابل تأمل آنکه کنوانسیون به دنبال ایجاد چارچوب حقوقی برای اجرای موافقت‌نامه‌های حل و فصل به این شیوه است تا انگیزه لازم در شرکت‌ها و دیگر فعالان حوزه تجارت بین‌الملل جبهه‌منظور توسل به این شیوه ایجاد شود (Schnabel, 2019: 2-4).

قلمرو اعمال کنوانسیون سنگاپور: شرایط شکلی و ماهوی

چه مواردی مشمول کنوانسیون سنگاپور قرار خواهند گرفت؟ در جریان مذاکرات تدوین کنوانسیون، برخی نمایندگان دولت‌ها مطرح کردند که کنوانسیون باید فقط ناظر بر روندهای نهادینه‌شده میانجی‌گری باشد و به این ترتیب روندهای غیررسمی از شمول کنوانسیون خارج شود. در مقابل، این دیدگاه مطرح بود که در این صورت، صرفاً موارد میانجی‌گری سازماندهی و قانونمندشده در نظام‌های داخلی، مشمول کنوانسیون می‌شود. با وجود بحث‌های زیاد در نهایت، گروه کاری پاسخ قانع‌کننده‌ای برای عدم درج این ملاحظه در کنوانسیون ارائه نکرد و به این ترتیب مبنای توسل به میانجی‌گری برای اعمال کنوانسیون، مهم تلقی نشد و در نتیجه توافق میان طرفین اختلاف ممکن است قبل یا بعد از اختلاف یا ناشی از تعهد حقوقی یا منتج از رأی دادگاه یا داوری باشد. همین‌طور ممکن است، میانجی‌گری به صورت داوطلبانه یا ناشی از التزام توسط طرفین انتخاب شود و اینکه مداخله یک نهاد اجرایی مهم و تعیین‌کننده نخواهد بود. بنابراین، برای اینکه موافقت‌نامه میانجی‌گری مشمول قلمرو کنوانسیون قرار گیرد، لازم است حل اختلافی مسالمت‌آمیز با مساعدت شخص ثالث فاقد اختیار الزام‌آور برای تحمیل راهکار به طرفین مطرح باشد، چراکه میانجی‌گری از اختیار و جایگاه داور برخوردار نیست. همچنین کنوانسیون شامل مواردی که قاضی رسیدگی‌کننده به اختلاف به‌عنوان میانجی به ایفای نقش می‌پردازد، نخواهد شد. این محدودیت برای احتراز از وضعیت‌هایی است که قاضی می‌تواند به طرفین برای حل اختلاف فشار وارد کند (Schnabel, 2019: 14).

۱. ویژگی‌های موافقت‌نامه میانجی‌گری مشمول کنوانسیون

برای اینکه موافقت‌نامه حل‌وفصل اختلاف مشمول کنوانسیون سنگاپور قرار گیرد، باید شرایطی داشته باشد. بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون مقرر می‌کند که این معاهده، شامل هر توافق مکتوب ناشی از میانجی‌گری برای حل‌وفصل اختلاف تجاری اعمال خواهد شد که در زمان انعقاد، بین‌المللی باشد. به این ترتیب برای اینکه موافقت‌نامه حل‌وفصل مشمول قلمروی کنوانسیون شود، باید شیوه مندرج در آن میانجی‌گری پیش‌بینی شود و ماهیت اختلاف، بین‌المللی و موضوع ذی‌ربط تجاری باشد. کنوانسیون مشابه قانون نمونه میانجی‌گری تجاری بین‌المللی با تعریف میانجی‌گری شروع شده است، به این ترتیب که «روند حل‌وفصل اختلاف توسط طرفین با کمک و مساعدت شخص یا اشخاص ثالث می‌باشد... که فاقد اختیار تحمیل راهکار به طرفین اختلاف است». به این ترتیب، مطابق تعریف مقرر در ماده ۱ کنوانسیون، حل اختلاف باید از طریق میانجی‌گری باشد، که شرط بسیار موسعی است و مرز دقیقی وجود ندارد که چه میزان مداخله و مشارکت میانجی کفایت خواهد کرد، اما به‌طور قطع حضور میانجی در کل روند حل اختلاف ضروری نیست. به‌طور مثال ممکن است در قضیه‌ای، طرفین اختلاف در اغلب موارد به توافق برسند و میانجی برای برخی محورهای باقی‌مانده ایفای نقش کند و در این صورت حل این اختلاف نیز ذیل عنوان میانجی‌گری مورد پذیرش است. علاوه بر این، ممکن است میانجی فقط برای عبور از محوری چالش برانگیز از اختلاف به طرفین کمک کند و سپس سایر موارد توسط خود طرفین حل‌وفصل شود. این رهیافت موسع، منطبق با راهبرد انگیزشی و ترغیبی کنوانسیون برای توسل به میانجی‌گری است. به‌طور کلی، یک طرف برای ادعای خروج اختلاف از قلمرو موضوعی کنوانسیون و مخالفت با اعمال آن، باید اثبات کند که در ایجاد ارتباط میان اختلاف و میانجی‌گری، از سوی طرف مقابل تقلب یا تبانی ارتکاب یافته است. دغدغه دیگری که در مورد تطبیق قلمرو موضوعی کنوانسیون و احراز شرایط مقرر با اختلاف مطرح، وجود دارد، رعایت ملاحظاتی از جمله محرمانگی از سوی دادگاه است و البته در پاسخ به این دغدغه، احراز ارتباط کلی میان اختلاف و شیوه میانجی‌گری کافی تلقی شده است و کشف جزئیاتی مانند قانون قابل اعمال یا مراحل پیشرفت حل‌وفصل و... لزومی ندارد. نکته مهم دیگر آنکه احراز شرایطی خاص برای میانجی‌گری از جمله استقلال و بی‌طرفی وی به‌عنوان شرط لازم شمرده نشده است، اگرچه دیدگاه‌های متفاوتی در مورد لزوم تصریح کنوانسیون به آن مطرح بود و در نهایت مورد پذیرش کنوانسیون قرار نگرفت (Schnabel, 2019: 15-19). با توجه به اینکه اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری، موضوع یک معاهده است، از مراحل ابتدایی مذاکرات در گروه کاری، بسیاری از نمایندگان نظر داشتند که قلمرو کنوانسیون باید محدود به توافقات حل‌وفصل بین‌المللی باشد (UNCITRAL Rep, 2016:)

۱. ر.ک: بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون سنگاپور.

para.94) و از این رو باید شاخص‌هایی برای احراز وصف «بین‌المللی» تعیین شود. تعریف قید «بین‌المللی» مطابق بند ۴ ماده ۱ قانون نمونه میانجی‌گری تجاری بین‌المللی عبارت است از اینکه مکان تجارت طرفین یک موافقت‌نامه در زمان انعقاد آن، در کشورهای مختلف باشد. در بند ۱ ماده ۲، کنوانسیون سنگاپور به این موضوع پرداخته است که در صورت احراز بیش از یک مکان تجارت برای طرفین، راهکار چیست که البته مفاد آن مشابه بند ۵ ماده ۱ قانون نمونه میانجی‌گری است، با این تفاوت که در قانون نمونه، مکان تجارت جایی در نظر گرفته می‌شود که نزدیک‌ترین رابطه را با موافقت‌نامه میانجی‌گری دارد، اما در کنوانسیون، مکان تجاری جایی است که نزدیک‌ترین رابطه را با اختلاف حل‌شده توسط موافقت‌نامه حل‌وفصل دارد و این تفاوت در اسناد مذکور قابل ملاحظه است و نیز در مورد افرادی که مکان تجارت ندارند، اقامتگاه ملحوظ خواهد شد (CHUA, 2019: 196). نکته قابل تأمل آن است که در عمل، شاید تفکیک شیوه‌های حل‌وفصل داخلی و بین‌المللی در مرحله شناسایی و اجرا لازم به‌نظر نرسد، و علی‌رغم این واقعیت، گروه کاری با رویکردی چالش‌برانگیز قلمروی اعمال کنوانسیون را به اختلافات بین‌المللی تحدید کرد و در توجیه این رهیافت، ترغیب و تسهیل عضویت در کنوانسیون برای دولت‌ها مطرح است تا نیازی به ایجاد تغییرات اساسی در قوانین و مقررات داخلی نباشد. با این حال، دولت‌ها در صورت تمایل، استانداردهای مشابهی را برای حل‌وفصل داخلی اعمال خواهند کرد.

در خصوص قلمرو موضوعی کنوانسیون، ماهیت «تجاری» اختلافات بین‌المللی از دیگر شرایط لازم شمرده شده است. مفهوم «تجاری» از مراحل ابتدایی، محل بحث و چالش در گروه کاری بود و اینکه آیا مشابه قانون نمونه میانجی‌گری تجاری بین‌المللی فهرستی از فعالیت‌های تجاری ارائه خواهد شد، که در نهایت در متن کنوانسیون سنگاپور تعریفی از آن ارائه نشد، اما نظر حقوقدانان براساس مذاکرات گروه کاری آن است که قلمرو این مفهوم همان تعریف قانون نمونه است. به این ترتیب، قلمرو آن حداقل شامل برخی اختلافات دولت-سرمایه‌گذار در مورد فعالیت‌های عمرانی یا استخراج منابع طبیعی خواهد بود (Schnabel, 2019: 20-23). در قانون نمونه میانجی‌گری تجاری بین‌المللی در زیرنویسی مربوط به بند ۱ ماده ۱ به این ترتیب تعریف شده است که باید با تفسیری موسع، مشتمل بر موضوعاتی شود که ناشی از تمامی روابط با ماهیت تجاری می‌شود، اعم از اینکه قراردادی باشد یا خیر. امکان استناد به این تعریف در چارچوب کنوانسیون سنگاپور، مطلوب ارزیابی شده است، چراکه اولاً برای دولت‌هایی که قانون نمونه را تصویب کرده‌اند، مطلوب خواهد بود؛ ثانیاً، موضوعات مدنی غیرتجاری می‌تواند متمایز و منطبق با قواعد حقوقی و فرهنگ‌های محلی لحاظ شود و ذیل رهیافت هماهنگ‌سازی اجرا قرار نگیرد؛ ثالثاً، شرط «تجاری» در راستای تسهیل و تمهید تجارت بین‌المللی ارزیابی می‌شود. علاوه بر این، موافقت‌نامه میانجی‌گری، باید مکتوب باشد و این شرط به هر ترتیبی از جمله از طریق ارتباطات الکترونیک مانند پست الکترونیک و... احراز خواهد شد.

از سوی برخی نمایندگان در جریان مذاکرات مقدماتی، شرایط دیگری برای صحت رویه میانجی‌گری پیشنهاد شد؛ از جمله شرط انتخاب ثالث بی‌طرف به‌عنوان میانجی یا لزوم داوطلبانه بودن روند میانجی‌گری (CHUA, 2019: 197-200)، البته گروه کاری، به‌جای اضافه کردن به شرایط مقرر که موجب پیچیدگی روند اجرا می‌شود، برخی موارد را خارج از قلمرو موضوعی کنوانسیون سنگاپور اعلام کرد که عبارت‌اند از:

اول، مطابق پاراگراف ۲ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، این سند در مورد موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل اختلافات ناشی از معاملاتی با اهداف شخصی و خانوادگی و نیز موافقت‌نامه‌های مرتبط با حقوق خانواده، ارث یا استخدام اعمال نخواهد شد. اگرچه این قسم اختلافات از اهمیت زیادی برخوردارند، از منظر گروه کاری ماهیت آنها کاملاً متمایز از اختلافات تجاری ارزیابی شده و همین امر دلیل مستثنا کردن آنها از قلمرو کنوانسیون است. همچنین اهتمام بر عدم تداخل با حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی و نیز اکراه احتمالی دولت‌ها از اجرای کنوانسیون در موارد مذکور از دیگر علل مؤثر شمرده شده است (Schnabel, 2019: 23-24).

دوم، در بند ۳ ماده ۱ مقرر شده است که برخی موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل مستثنا از قلمرو شمول کنوانسیون عبارت‌اند از: ۱. موافقت‌نامه‌هایی که توسط یک دادگاه تأیید شده یا در جریان دادرسی دادگاه قرار دارند، ۲. موافقت‌نامه‌هایی که به موجب رأی دادگاه لازم‌الاجرا شده‌اند، ۳. موافقت‌نامه‌هایی که به موجب رأی داوری لازم‌الاجرا هستند. دلیل این محدودیت، وجود دیگر اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون لاهه در مورد انتخاب دادگاه و کنوانسیون نیویورک بیان شده است که اشکالی از توافق‌نامه‌های حل‌وفصل را لازم‌الاجرا کرده‌اند (UNCITRAL Rep, 2016: para. 13)، البته از نظر برخی حقوقدانان، صرف مداخله قاضی یا داور نباید دلیلی برای مستثنا شدن موافقت‌نامه از قلمرو کنوانسیون سنگاپور باشد (CHUA, 2019: 197). بنابراین کنوانسیون در مورد موافقت‌نامه‌هایی که به موجب حکم دادگاه یا رأی داوری لازم‌الاجرا شده‌اند، اعمال نخواهد شد، همچنین در صورتی که در روند دادرسی دادگاه به نتیجه رسیده باشند (Schnabel, 2019: 23-24).

الزامات شکلی موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری نیز، مستلزم قطعیت و اطمینان دولت برای اجراست، با وجود این، باید از جزئی‌نگری افراطی در این زمینه اجتناب شود تا روند اجرا پیچیده نشود. برخلاف کنوانسیون نیویورک که مشتمل بر شرایط شکلی برای داوری نیست، کنوانسیون سنگاپور مستلزم رعایت شرایط شکلی است، زیرا موافقت‌نامه حل‌وفصل ممکن است بعد از مذاکره یا دیگر روش‌های غیررسمی بحث و تبادل نظر منعقد شود. مطابق ماده ۴ کنوانسیون، در صورتی یکی از طرفین می‌تواند به موافقت‌نامه استناد کند که: ۱. موافقت‌نامه حل‌وفصل توسط طرفین امضا شده

1. The Hague Convention on Choice of Court Agreements (the Choice of Court Convention)
2. the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (the New York Convention)

باشد؛ ۲. اثبات شود که موافقت‌نامه حل‌وفصل نتیجه میانجی‌گری است، و ادله مورد استناد عبارت‌اند از: امضای موافقت‌نامه توسط میانجی، سندی با امضای میانجی مبنی بر قطعیت در مورد انجام میانجی‌گری، گواهی نهاد برگزارکننده میانجی‌گری یا در صورت فقدان موارد مذکور، اسناد دیگری که به‌نحوی مؤید انجام میانجی‌گری باشد. رویکرد کنوانسیون مبنی بر ادله احراز انجام میانجی‌گری، حصری نیست و گزینه‌های مختلفی برای ارائه در نظر گرفته شده است که این انعطاف‌پذیری در جهت اجرای موثر کنوانسیون و با توجه به تنوع رویه دولت‌ها و نیز اوضاع و احوال مختلف مثبت و مفید ارزیابی شده است، از جمله برای شرایطی که موافقت‌نامه حل‌وفصل منعقد شده، اما میانجی‌قادر یا مایل به امضای آن نیست، به‌خصوص پذیرش گواهی مؤسسه اجراکننده میانجی‌گری به‌عنوان یکی از ادله، با توجه به تعداد روبه‌فزونی نهادها و مؤسسات ارائه‌کننده خدمات میانجی‌گری در سراسر جهان مفید و راهگشا خواهد بود (CHUA, 2019: 198-200). در خصوص شرایط اجرای کنوانسیون، از جمله نگرانی‌های مطرح آن است که در برخی کشورها مانند آمریکا و انگلیس، رویه عمومی بر این است که میانجی نباید موافقت‌نامه نهایی را امضا کند، به این دلیل که میانجی، طرف اختلاف یا شاهد حل‌وفصل اختلاف نیست. در این موارد نیز برخی حقوقدانان قائل‌اند می‌توان تبیین کرد که امضای میانجی صرفاً به‌منزله تأیید انجام میانجی‌گری است و البته انعطاف‌پذیری ماده ۴ کنوانسیون سنگاپور نیز مطلوب ارزیابی شده است که مطابق آن گواهی مجزا از موافقت‌نامه مبنی بر انجام میانجی‌گری توسط فرد یا مؤسسه مورد پذیرش است (Heep & Martin, 2020: 3).

۲. موارد خارج از شمول کنوانسیون سنگاپور

اگرچه کنوانسیون سنگاپور با هدف ایجاد نظام اجرای سریع و مؤثر تدوین یافته است، اجرای موافقت‌نامه میانجی‌گری مطلق نیست. ماده ۵ کنوانسیون، شرایطی را مقرر کرده است که مانع اجرای موافقت‌نامه خواهد شد و به دولت اجازه می‌دهد که در صورت احراز موارد ذیل از اجرای موافقت‌نامه امتناع ورزد:

الف) یک طرف موافقت‌نامه، فاقد اهلیت بوده است؛

ب) موافقت‌نامه در شرایط ذیل منعقد شده:

۱. باطل، بی‌اثر یا غیرقابل اجرا بودن در حقوق طرفین

۲. غیرالزام‌آور یا غیرنهایی بودن مطابق مفاد آن

۳. اصلاح بعدی موافقت‌نامه

ج) مغایر بودن استناد به آن با مفاد موافقت‌نامه؛

د) احراز وقوع تخلف جدی میانجی از استانداردهای قابل اعمال؛

ه) احراز قصور میانجی در اعلام اوضاع و احوال به طرفین که موجب تردید موجه در بی‌طرفی یا استقلال وی باشد.

علاوه بر این، مطابق بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون، مغایرت اجرای موافقت‌نامه با نظم عمومی یا احراز عدم امکان توسل به میانجی‌گری در موضوع اختلاف طبق حقوق داخلی دولت عضو، از دیگر موارد جواز امتناع از التزام به موافقت‌نامه است (LO & Jo-Mei MA, 2014: 397-8). این موانع اجرایی مقرر در کنوانسیون سنگاپور، جامع و کلی ارزیابی می‌شود که برای اجرا دشوار نخواهد بود (UNCITRAL Rep, 2015: para.93). اغلب این موانع از ماده ۵ کنوانسیون نیویورک (با انجام اصلاحات مقتضی) الگوبرداری شده‌اند که منطبق با ماهیت میانجی‌گری و مورد پذیرش نسبی‌اند (CHUA, 2019: 200-1).

شرایط اجرای کنوانسیون سنگاپور

در اینجا سؤال مهم آن است که اساساً کنوانسیون سنگاپور در چه شرایطی اجرا خواهد شد؟ بنابر تصریح ماده ۱۴ کنوانسیون سنگاپور، این معاهده بین‌المللی شش ماه بعد از تودیع سومین سند تصویب لازم‌الاجرا خواهد شد و در مورد دولتهایی که بعد از لازم‌الاجرا شدن به آن ملحق شوند، شش ماه بعد از زمان تصویب، اجرا می‌شود. پیش‌بینی برخی حقوقدانان بین‌المللی آن است که تا پایان سال ۲۰۲۰ این کنوانسیون لازم‌الاجرا می‌شود، البته تاکنون فقط دولت سنگاپور در ژوئیه ۲۰۲۰، اولین گام تصویب کنوانسیون را با تقدیم لایحه «کنوانسیون سنگاپور» به پارلمان این کشور برداشت. این لایحه، متضمن اجرای کنوانسیون در حقوق داخلی این کشور است (Heep & Martin, 2020: 3). با وجود این، در مورد زمان و چگونگی اجرای کنوانسیون سنگاپور در عرصه بین‌المللی، دیدگاه‌های مختلفی از سوی حقوقدانان مطرح است، چراکه هنوز بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی با میانجی‌گری ناآشنا و نامأنوس و فاقد چارچوب‌های حقوقی لازم‌اند و از آنجا که اجرای موافقت‌نامه میانجی‌گری بر عهده دولت‌های عضو قرار داده شده، از این‌رو در مورد اجرای کنوانسیون، نگرانی‌هایی ابراز شده است. کنوانسیون سنگاپور از تعیین شیوه معینی برای اجرا اجتناب ورزیده، اما در این مورد، شرایطی را مقرر کرده است که باید مورد توجه دولت در اجرا قرار گیرد. بند ۱ ماده ۳ مقرر می‌کند که هر دولت عضو باید موافقت‌نامه حل‌وفصل را منطبق با آیین دادرسی و شرایط مقرر در کنوانسیون اجرا کند. این مقرر منطبق با مفاد کنوانسیون نیویورک است (CHUA, 2019: 197). بند ۲ ماده ۳ کنوانسیون سنگاپور مقرر می‌کند که یک دولت می‌تواند به موافقت‌نامه حل‌وفصل اختلاف مطابق با آیین دادرسی خود و ذیل شرایط مقرر در کنوانسیون استناد کند. در این ماده، موافقت‌نامه حل‌وفصل به‌منزله دفاع می‌تواند مورد استناد قرار گیرد (Koo, 2017: 91-2). از منظر برخی حقوقدانان، فقدان سازوکار معین برای اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری، ممکن است به بروز معضلاتی در اعمال صلاحیت برای اجرای موافقت‌نامه‌های مذکور منجر شود و به‌خصوص عدم شناسایی میانجی‌گری به‌عنوان شیوه جایگزین حل‌وفصل اختلافات در نظام‌های حقوقی ملی مؤید

این چالش خواهد بود. در این زمینه، دولت‌هایی که به امضای کنوانسیون سنگاپور مبادرت ورزیده‌اند، اما در قوانین و مقررات مصوب داخلی، فاقد مکانیزم اجرایی مشخص برای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری هستند، مورد اشاره قرار دارند و در صورت تصویب آتی کنوانسیون، چگونگی اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری در آنها محل تأمل جدی قرار دارد (Mehrabi & Sheikhattar, 2019: 3). از سوی دیگر برخی حقوقدانان قائل‌اند، عدم تعیین شیوه معین برای اجراء چندان مخرب و زیان‌آور نخواهد بود. تجربه اجرای کنوانسیون نیویورک نشان می‌دهد که فقدان شیوه معین اجراء مانع از اجرای مؤثر نخواهد بود و حتی چه‌بسا تعیین شیوه معین با توجه به اختلاف زیاد میان دولت‌ها در رویه عملی و قانونگذاری شیوه اجراء، خود مانعی برای الحاق حداکثری دولت‌ها از مناطق مختلف جهان به کنوانسیون به‌شمار می‌رفت (Schnabel, 2019: 41-45). درحالی‌که عضویت حداکثری دولت‌ها برای تأمین هدف کنوانسیون سنگاپور که ارتقای کاربرد میانجی‌گری در اختلافات تجاری فرامرزی است، ضروری است (CHUA, 2019: 198).

در خصوص تعدیل چالش‌های اجرای آتی کنوانسیون، برای دولت‌هایی که به عضویت کنوانسیون سنگاپور درخواهند آمد و فاقد چارچوب حقوقی مدون و مشخص برای میانجی‌گری و اجرای موافقت‌نامه‌ها هستند، پیشنهادها و راهکارهایی به این ترتیب ارائه شده است: اول، اینکه دولت‌های مزبور، قانون نمونه میانجی‌گری تجاری بین‌المللی (۲۰۰۲) آنسیترال را در نظام داخلی، به‌عنوان مبنای حقوقی برای میانجی‌گری ملحوظ دارند. مفاد این سند، در راستای اجرای کنوانسیون سنگاپور و اعمال موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری بسیار مؤثر و کارآمد ارزیابی شده است. دومین راهکار، ناظر بر دولت‌های عضو کنوانسیون سنگاپور است که در ضمن طی مراحل تصویب کنوانسیون، درصدد تدوین آیین شفاف و مشخص برای شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری هستند که قوانین مزبور، می‌تواند در همان سند تصویب یا قانون مجزا به تصویب مراجع ذی‌صلاح داخلی برسد، البته در این صورت، با احتمال تعدد و تکثر قوانین داخلی دولت‌های عضو کنوانسیون، مواجهه با چندپارگی حقوقی در عرصه میانجی‌گری بین‌المللی به‌عنوان یک ملاحظه شاید جای طرح داشته باشد (Mehrabi & Sheikhattar, 2019: 4).

نکته مهم در زمینه پیش‌بینی اجرای کنوانسیون سنگاپور طی سال‌های آتی، آن است که با توجه به جدید و بدیع بودن سازوکار میانجی‌گری در نظام‌های ملی، مسیر اجرای کنوانسیون به‌خصوص در مراحل ابتدایی، با فراز و نشیب‌هایی مواجه و تا حدودی ناهموار خواهد بود و صرف نداشتن چارچوب معارض با کنوانسیون سنگاپور برای شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری برای عضویت در این کنوانسیون کافی نیست، بلکه ایجاد زیرساخت‌های حقوقی لازم و تصویب قوانین و مقررات مقتضی برای اجرای مفاد کنوانسیون ضروری خواهد بود.

حق شرط در مورد کنوانسیون سنگاپور

یکی از مباحث مهم در خصوص اجرای معاهدات بین‌المللی، حق شرط است. در راستای تضمین تمامیت کنوانسیون سنگاپور، حق شرط‌های مجاز صریحاً در ماده ۸ احصا شده که عبارت است از:

الف) [یک دولت] این کنوانسیون را نسبت به موافقت‌نامه‌هایی که خود یا یکی از نهادهای دولتی یا نمایندگانی از سوی نهادهای دولتی عضو هستند، اجرا ننماید؛

ب) این کنوانسیون فقط در قلمرویی که طرفین موافقت‌نامه توافق نموده‌اند، اجرا گردد. این حق شرط‌ها مرتبط با قابلیت اعمال کنوانسیون سنگاپور در مورد موافقت‌نامه‌هایی است که در آن یک نهاد دولتی یا شخصی به نمایندگی از دولت عضویت دارند و نیز بر امکان لحاظ شرط‌گزینش دلالت می‌کند. نکته بسیار مهم آن است که تعیین آنها به‌عنوان حق شرط، از اختلاف نظر اعضای گروه کاری و عدم رسیدن به توافق مشترک حکایت می‌کند (Schnabel, 2019: 55-58).

و اما در خصوص قابلیت اعمال کنوانسیون سنگاپور بر دولت‌ها و نهادهای دولتی، گروه کاری بر این نظر بود که با توجه به حضور و مشارکت گسترده نهادهای دولتی در فعالیت‌های تجاری و تمایل آنها برای کاربرد میانجی‌گری در حل‌وفصل اختلافات مرتبط با فعالیت‌های مزبور، مطلوب نیست که به‌طور کلی از این امر ممانعت شود (UNCITRAL Rep, 2015: para.46). بر همین اساس، عدم پذیرش آن به‌عنوان حق شرط خیلی دشوار و در نهایت فوریه ۲۰۱۸ از سوی گروه کاری مورد پذیرش قرار گرفت (UNCITRAL Rep, 2018: para.75-7). علاوه بر این، برای جواز شرط‌گزینش از سوی برخی ابراز نگرانی شده که چنین اعلامیه‌ای ممکن است مؤثر بودن کنوانسیون سنگاپور را تحت‌الشعاع قرار دهد، اما به‌عنوان یکی از دستاوردهای مذاکرات گروه کاری در مورد آن توافق حاصل شد (CHUA, 2019: 202-3).

مقایسه کنوانسیون سنگاپور با سازوکارهای موجود اجرای

موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری

در میانجی‌گری برخلاف داوری یا دادخواهی که ملازم است با صدور رأی الزام‌آور از سوی ثالث، اختلافات بر مبنای اجماع و وفاق طرفین، حل‌وفصل می‌شود. واقعیت آن است که توافق طرفین در مورد کلیه مفاد توافق‌نامه میانجی‌گری، احتمال اجرای داوطلبانه آن را افزایش می‌دهد. با این حال، مواردی هست که طرفین اختلاف، تمایلی برای اجرای مورد توافق خود را ندارند که در نتیجه آن باید وقت و هزینه زیادی صرف پیگیری امر و در نهایت طرح دعوی مجزا شود و بر

1. an opt-in requirement

همین اساس مقبولیت میانجی‌گری کم است. برای حل این چالش و معضل، ضرورت تمهید سازوکارهای مقتضی برای اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری در دهه‌های اخیر، مورد توجه قرار گرفته است. اما تا قبل از تدوین کنوانسیون سنگاپور، دو سازوکار دیگر برای اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی میانجی‌گری مطرح بوده است: سازوکار اول، مربوط به دستورالعمل اتحادیه اروپا در زمینه میانجی‌گری است که مبتنی بر سازوکارهای اجرایی مقرر در قوانین داخلی است؛ سازوکار دوم، که توسط مرکز داوری بین‌المللی سنگاپور و مرکز میانجی‌گری بین‌المللی سنگاپور از طریق پروتکل «Arb-Med-Arb» ایجاد شد که مبتنی بر چارچوب مقرر در کنوانسیون نیویورک در مورد اجرای آرای داوری است؛ در اینجا سازوکارهای مذکور در مقایسه با سازوکار مقرر در کنوانسیون سنگاپور تبیین می‌شود.

در حال حاضر سازوکارهای بین‌المللی اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری، موجد نظام یکپارچه یا بین‌المللی نیستند، بلکه دولت‌های متعاقد یا عضو را متعهد می‌کنند که اجرای موافقت‌نامه بین‌المللی میانجی‌گری را در چارچوب قوانین و مقررات داخلی، تضمین کنند. از این رو، سازوکارهای بین‌المللی تنها در صورتی کارآمد خواهند بود که سازوکارهای اجرا در سطح ملی را تقویت کند. برای نمونه می‌توان به دستورالعمل میانجی‌گری اتحادیه اروپا اشاره کرد که مطابق ماده ۶ آن، دولت‌ها متعهدند که تضمین کنند موافقت‌نامه‌های مکتوب ناشی از میانجی‌گری با درخواست طرفین لازم‌الاجرا خواهد شد. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، راهکار اتخاذی برای حل معضل اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری آن است که هر کشور، سازوکاری را برای تبدیل موافقت‌نامه‌های مذکور به نهادهای لازم‌الاجرا در نظام داخلی تمهید کرده است: برای نمونه یک موافقت‌نامه میانجی‌گری ممکن است در چارچوب رسیدگی اختصاری در دادگاه داخلی مطرح شود (مثال ایتالیا و لیتوانی)، یا به سند لازم‌الاجرا تبدیل گردد (برای مثال استرالیا و بلژیک)، یا توسط یک نهاد میانجی‌گری تنفیذ گردد (برای مثال استونی)، یا به یک رأی داوری تبدیل شود (برای مثال استرالیا و آلمان). البته در برخی کشورهای اروپایی نیز در صورتی که موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری با شرایط شکلی مقرر، تنظیم شده باشند، مستقیماً لازم‌الاجرا هستند (برای مثال پرتغال و کرواسی). به این ترتیب ماده ۶ دستورالعمل، نظام واحدی را ایجاد نمی‌کند، بلکه شکل و نحوه اجرا را به دولت‌های عضو واگذار کرده است. با این حال، ماده ۶ بیان می‌کند که محتوای موافقت‌نامه میانجی‌گری می‌تواند توسط دادگاه یا دیگر مرجع ذی‌صلاح در قالب رأی یا سند موثق لازم‌الاجرا شود. البته دولت‌های اروپایی هر یک

1. European Parliament and the Council of the European Union, Directive 2008/52/EC on certain aspects of mediation in Civil and Commercial matters, OJ, L-136, 2008
2. the Singapore International Arbitration Centre
3. Singapore International Mediation Centre
4. Arbitration-Mediation-Arbitration

به‌نحوی اقدام کرده‌اند (Zukauskaitė, 2019: 205-208). نکته مهم آنکه کنوانسیون سنگاپور، از دستورالعمل میانجی‌گری اتحادیه اروپا^۱ که در این منطقه نقش مؤثری در افزایش گرایش به میانجی‌گری نداشته - پیشروتر ارزیابی شده است. ماده ۶ دستورالعمل اروپا رویه‌ای برای لازم‌الاجرا شدن پیش‌بینی نکرده، اما دو شرط اساسی موسع مقرر کرده است؛ اول، آنکه دولت‌های عضو باید تضمین کنند که برای طرفین یا یکی از آنها با رضایت صریح سایرین امکان دارد که درخواست کند که محتوای یک توافقنامه مکتوب ناشی از میانجی‌گری لازم‌الاجرا باشد؛ دوم، محتوای موافقت‌نامه نباید مغایر با قوانین دولت ذی‌ربط و قوانین آن باشد متضمن لازم‌الاجرای آن باشد. ابهام این مقررات چنان است که به‌زعم برخی حقوقدانان استناد به اصول کلی حقوق تعهدات، برای پیگیری توافقنامه حل‌وفصل از طریق میانجی‌گری کافی به‌نظر می‌رسد (CHUA, 2015: 11). شرط رضایت صریح اعضا برای لازم‌الاجرا شدن در صورت مقاومت یکی از اعضا برای اجرا، مشکل‌ساز خواهد بود. این معضل یعنی شرط رضایت در کنوانسیون سنگاپور وجود ندارد و برخلاف دستورالعمل اتحادیه اروپا، زمینه‌های قابل استناد برای ممانعت از اجرا را مسدود کرده است (ماده ۵ کنوانسیون).

مرکز داوری بین‌المللی سنگاپور و مرکز میانجی‌گری بین‌المللی سنگاپور در سال ۲۰۱۴، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های کنوانسیون نیویورک اقدام به تصویب پروتکل Arb-Med-Arb کردند. کنوانسیون نیویورک با توجه به قدمت ۶۰ ساله و عضویت بیش از ۱۵۰ دولت، زمینه مناسبی برای اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری محسوب می‌شود. مطابق این پروتکل، سه مرحله پیش‌بینی شده است: اول، اختلاف در یک نهاد داوری مطرح شود؛ دوم، رسیدگی داوری فوری انجام گیرد و اختلاف برای حل دوستانه به میانجی‌گری تبدیل شود؛ سوم، در صورت حل‌وفصل اختلاف، روند به داوری تبدیل خواهد شد. در واقع راهکار مندرج در پروتکل، به‌منزله رهیافتی خلافت‌گانه است که موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری را با بهره‌گیری از اسناد موجود از جمله کنوانسیون نیویورک، لازم‌الاجرا می‌کند، البته راهکاری موقت برای حل معضل محسوب می‌شود (Zukauskaitė, 2019: 208-209).

کنوانسیون سنگاپور، ماحصل چهار سال بحث و مذاکره بین‌المللی است. تفاوت سطوح ملی در قانونگذاری و پیشبرد میانجی‌گری، موجب دشواری مذاکرات بود، با این حال وفاق جمعی در خصوص موضوع حاصل شد. الگوی طراحی شده در کنوانسیون مبتنی بر موازین و اقدامات ملی

1. the European Union Directive on Mediation

۲. و اما در سایر کشورها نیز شاهد تدابیری در این زمینه هستیم. به‌طور مثال در معدود کشورهایی نیز موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری به رأی دادگاه با شرایط مورد توافق تبدیل می‌شوند تا به‌طور مستقیم لازم‌الاجرا باشد (برای مثال نیوزلند و ژاپن). با وجود این، همچنان بسیاری از کشورها فاقد سازوکاری برای اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی هستند.

است و در نتیجه شباهت نسبی با دستورالعمل میانجی‌گری اتحادیه اروپا دارد (Žukauskaitė, 2019: 211-214). اصول کلی کنوانسیون سنگاپور عبارت‌اند از: ۱. اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری مطابق با قوانین دادرسی دولت‌ها، ۲. اجازه به دولت‌های عضو برای احراز موافقت‌نامه میانجی‌گری به منزله موضوعی که قبلاً رسیدگی و حل‌وفصل شده است، که البته به تفصیل شرایط اجرای آن تبیین شد. به این ترتیب، اگرچه کنوانسیون هنوز لازم‌الاجرا نشده است، دولت‌های عضو باید اقدامات و موارد ذیل را بعد از آن مورد توجه قرار دهند: شروط میانجی‌گری در قرارداد باید مقرر کند که موافقت‌نامه حل‌وفصل از طریق میانجی‌گری باید مکتوب و امضاشده توسط طرفین و میانجی باشد. دولت‌های عضو باید شکل موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل را منطبق با شرایط مقرر در کنوانسیون برای اجرا مورد اصلاح و بازنگری قرار دهند و اینکه تأیید میانجی برای تحقق میانجی‌گری لازم است، اما این به منزله تلقی جایگاه وی به‌عنوان شاهد یا طرف اختلاف نیست (Heep & Martin, 2020: 4-5).

آثار اجرای کنوانسیون سنگاپور در حل‌وفصل اختلافات منطقه آسیا

میانجی‌گری به‌عنوان شیوه مطلوب حل‌وفصل اختلاف در آسیا از مقبولیت برخوردار است و اشکال سنتی و بومی این روش حل‌وفصل در بخش‌های مختلف آسیا به‌خصوص جوامع آسیای شرقی کاربرد دارد. از منظر برخی حقوقدانان، شیوه مرسوم و رایج میانجی‌گری در آسیا تا حدودی از استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد و در مورد لزوم و ضرورت، یکپارچگی تمامی استانداردهای میانجی‌گری در مناطق مختلف جهان همچنان مباحث نظری عدیده‌ای مطرح است (Lee & Hwee, 2009: 21-3) در واقع مسئله در این منطقه قدری پیچیده است، زیرا با اینکه در آسیا گرایش و تمایل به میانجی‌گری زیاد است و از جمله دلایل آن، هزینه کمتر و انعطاف‌پذیری بیشتر این شیوه حل‌وفصل اختلاف است، با این حال در عمل رغبت چندانی از سوی فعالان حوزه تجارت بین‌المللی بدان نیست و ترجیح و اولویت اول دیگر شیوه‌هاست. در خصوص نقش و اختیارات میانجی نیز در سطح آسیا دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است، برخی حقوقدانان و فعالان اجرایی، منتقد نقش غیرمستقیم و منفعل میانجی و خواستار اختیارات و نقش مستقیم، مؤثر و پررنگ وی در پیشبرد روند حل اختلاف هستند. البته این امر شاید ناظر بر یک رهیافت سنتی باشد که هرچه میانجی برخوردار از موقعیت مهم‌تر و دارای مشارکت بیشتر و قوی‌تر در روند حل اختلاف باشد، میانجی‌گری را کارآمدتر ارزیابی می‌کند. این امر فارغ از تکنیک‌ها و شیوه‌های کاربردی، ناظر بر قدرت اجرایی و الزام‌آور اجتماعی و حقوقی تصمیمات میانجی است که با توجه به تفاوت خاستگاه ارزشی، فرهنگی و اجتماعی طرفین اختلاف، ضرورت آن بیش از پیش احساس می‌شود. همچنین دلیل دیگری که مؤید این

رهیافت است، گرایش‌های کارکردی و عمل‌گرایانه است که درصدد اثربخشی به روند و نتایج میانجی‌گری در آسیاست (Lee & Hwee, 2009: 118-119). یکی دیگر از دغدغه‌های مطرح مرتبط با میانجی‌گری در آسیا، فزونی گرایش‌های جمعی نسبت به گرایش‌های فردی در این منطقه است که می‌تواند برای تقویت میانجی‌گری، زمینه مطلوبی قلمداد گردد که در تنظیم روابط اشخاص در حوزه‌های مختلف تعیین‌کننده خواهد بود (Lee & Hwee, 2009: 54-55).

در واقع در چنین شرایطی و با توجه به ملاحظات مذکور، تصویب کنوانسیون سنگاپور و الحاق دولت‌های آسیایی بدان به‌منزله چشم‌انداز روشن و مثبتی برای بهبود شرایط ارزیابی شده است. کنوانسیون سنگاپور، در آسیا برای حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی از ظرفیت بالقوه بالایی برخوردار است، چراکه در این منطقه به‌عنوان یک شیوه‌مقبول حل‌وفصل اختلافات تجاری و منطبق با حساسیت‌ها و فرهنگ رایج، مورد پذیرش است.^۱ در پژوهشی که توسط مؤسسه بین‌المللی پیشگیری و حل تعارض در سال ۲۰۱۱ از ۱۲۲ نفر مشاور در منطقه آسیا-اقیانوسیه انجام گرفت، ۷۲ درصد رویکرد مثبت شرکت خود به میانجی‌گری را تأیید کردند (در مقایسه با ۶۹ درصد برای داوری) و ۷۸ درصد اظهار داشتند که شرکت یا موکل آنها، طی سه سال اخیر برای حل‌وفصل اختلافات از میانجی‌گری استفاده کرده‌اند. بسیاری از کشورهای آسیایی، در سال‌های اخیر به میانجی‌گری اقبال داشته‌اند که در عمل منتج به تصویب قوانین و مقرراتی در این زمینه شده است. به‌طور نمونه، با اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی چین، اصل میانجی‌گری در ماده ۱۲۲ مقرر شد؛ دیگر موارد عبارت‌اند از: قانون میانجی‌گری مالزی سال ۲۰۱۴؛ دستورالعمل میانجی‌گری هنگ‌کنگ سال ۲۰۱۴؛ قانون میانجی‌گری سنگاپور سال ۲۰۱۷؛^۲ همگی متضمن ایجاد چارچوب حقوقی به‌منظور توسل به میانجی‌گری در منطقه هستند. مراجع قضایی نیز در آسیا به‌منظور ترغیب طرفین اختلاف برای کاربرد میانجی‌گری به‌خصوص در مراحل اولیه اهتمام ورزیده‌اند. علاوه بر این، تأسیس مؤسسات و تدوین راهبردهای مقتضی در ارتقای جایگاه این شیوه حل‌وفصل اختلاف نقش بسزایی داشته است. به‌طور مثال، چین در سال ۲۰۱۸ با ایجاد کمیته کارشناسی تجاری بین‌المللی،^۳ حل‌وفصل اختلافات از طریق میانجی‌گری را تقویت کرد. یا در راستای افزایش اعتماد عمومی به میانجی‌گری، هنگ‌کنگ

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

1. Joel LEE and TEH Hwee Hwee, eds., *An Asian Perspective on Mediation* (Singapore: Academy Publishing, 2009)
2. International Institute for Conflict Prevention and Resolution, "Attitudes Toward ADR In the Asia-Pacific Region: A CPR Survey" (2011)
3. the Malaysian Mediation Act 2012
4. Hong Kong Mediation Ordinance 2013,
5. the Singapore Mediation Act 2017
6. an International Commercial Expert Committee

انجمن میانجی‌گری^۱ را در سال ۲۰۱۲ تأسیس کرد تا روند ارزیابی میانجی‌ها در یک نهاد حرفه‌ای صورت پذیرد. در سنگاپور نهادهای متعددی در حوزه میانجی‌گری فعالیت دارند، از جمله مرکز میانجی‌گری سنگاپور^۲ و مرکز میانجی‌گری بین‌المللی سنگاپور^۳ که خدمات میانجی‌گری تجاری ارائه می‌کنند، و مؤسسه میانجی‌گری بین‌المللی سنگاپور^۴ به‌عنوان نهاد حرفه‌ای استانداردهای میانجی‌گری شناخته می‌شود و آکادمی (دانشگاه) حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی سنگاپور^۵ جدیدترین نهادی است که در سال ۲۰۱۶ با هدف آموزش و پژوهش تأسیس شد (LIM & CHUA, 2017: 21).

علی‌رغم همه این نشانه‌های مثبت، همچنان میانجی‌گری در مقایسه با داوری تجاری بین‌المللی، رایج و معمول نیست (Shi Yin, 2014: 158). به‌طور نمونه نتایج پژوهشی توسط دانشگاه حقوق سنگاپور از ۵۰۰ نفر از مشاوران و کارگزاران حقوق تجارت و کارشناسان حقوقی بخش عمومی در شهر سنگاپور و اطراف آن نشان داد که ۷۱ درصد توسل به داوری، ۲۴ درصد دادخواهی و فقط ۵ درصد میانجی‌گری را ترجیح دادند و دلیل ترجیح داوری نیز الزام‌آور بودن، محرمانه و عادلانه بودن ابراز شده است.^۶

کنوانسیون سنگاپور، این ظرفیت بالقوه را دارد که نگرانی‌های ناظر بر الزام‌آور نبودن نتیجه را تعدیل کند و رویکرد مثبت به میانجی‌گری و کاربرد عملی بیشتر آن را موجب شود. نکته مهم آن است که اختلافات تجاری بین‌المللی در آسیا به‌سرعت و مؤثر حل‌وفصل شود و چارچوب مقرر در کنوانسیون در صورت الحاق دولت‌های منطقه مؤید این ضرورت خواهد بود (CHUA, 2015: 2-3). در این صورت منافع، تعداد زیادی از مؤسسات آسیایی فعال در زمینه میانجی‌گری نیز با شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی ذی‌ربط تأمین خواهد شد (Bouille, 2014: 59).

کنوانسیون سنگاپور با تمهید اجرای فرامرزی موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری مشابه رأی دادگاه و رأی داوری، مسیری هموار و مؤثر ایجاد خواهد کرد که در مقایسه با رویه متنوع و مختلف اجرای آرای خارجی در آسیا مطلوب‌تر ارزیابی می‌شود و از پیچیدگی موارد اختلاط میانجی‌گری و داوری خواهد کاست. کنوانسیون سنگاپور، مقامات ذی‌صلاح را برای اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری مرتبط با دیگر حوزه‌های قضایی ملتزم می‌کند و عوامل امتناع از اجرا را محدود کرده است

(CHUA, 2019: 203-204). در واقع اگرچه کاربرد میانجی‌گری برای حل اختلافات تجاری

1. the Hong Kong Mediation Accreditation Association Ltd
2. the Singapore Mediation Centre
3. the Singapore International Mediation Centre
4. the Singapore International Mediation Institute
5. the Singapore International Dispute Resolution Academy
6. Singapore Academy of Law, "Study on Governing Law and Jurisdiction Choices in Cross-Border Transactions" (2016)

از منظر اغلب دولت‌ها مطلوب و مقبول است، معمولاً قوانین و مقررات مربوط به آن محدود و مضیق و ناظر بر جنبه‌های خاصی از روند میانجی‌گری است. بر همین اساس مطالعه چارچوب‌های حقوقی میانجی‌گری در قوانین داخلی دولت‌ها اهمیت زیادی دارد که در اینجا با توجه به قدرت اقتصادی دولت‌ها و تأثیرگذاری در روند حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی، به‌طور نمونه مواردی به اجمال بررسی خواهد شد:

۱. چین: با اینکه کاربرد میانجی‌گری در حل اختلافات محلی مدنی، دارای پیشینه تاریخی زیاد است، هنوز قوانین و مقررات و چارچوب حقوقی مشخصی برای میانجی‌گری تجاری در این کشور وجود ندارد. در نتیجه میانجی‌گری در زمینه اختلافات تجاری بین‌المللی، در چارچوب‌های مختلف و متنوعی انجام می‌گیرد و گاهی با روند داوری تجاری یا دادرسی قضایی خلط می‌گردد یا با تعیین شخصی میانجی یا از طریق نهادهای میانجی‌گری موجود مانند مراکز میانجی‌گری چین^۱ و مرکز میانجی‌گری کمیسیون داوری پکن^۲ انجام می‌گیرد. هنگامی که میانجی‌گری در زمینه داوری خارجی مطرح است، به‌طور کلی موافقت‌نامه حل‌وفصل مانند یک رأی داوری ملحوظ می‌شود و آرای خارجی ممکن است توسط هر طرفی که خواهان اجرای آن باشد، توسط دادگاه محل اقامت خوانده یا محل وقوع مال اجرا شود، همچنین آرای محاکم خارجی که متضمن موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل بین‌المللی از طریق میانجی‌گری هستند، در چین قابلیت اجرا دارند. با وجود این، تاکنون موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل از طریق میانجی‌گری به‌خودی‌خود در چین قابل اجرا نبوده‌اند، مگر در مواردی که موافقت‌نامه‌های مزبور توسط نهادهای مستقل میانجی‌گری مانند مراکز میانجی‌گری چین تمهید شده باشند، که در این صورت ممکن است ذیل موضوع قواعد سازمانی قرار گیرد که برای طرفین امکان اجرا و تأیید قضایی را فراهم می‌آورد. مطابق قوانین و مقررات داخلی چین، موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری در شرایط ذیل، نباید توسط محاکم تأیید و اجرا شوند: نقض قوانین و مقررات داخلی ماهوی یا شکلی، نقض منافع ملی یا منافع عمومی، نقض حقوق و منافع مشروع ثالث، تعارض یا نظم عمومی و داشتن محتوای نامشخص و مبهم. استثنائات موسع برای اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری در مقایسه و تطبیق با مفاد کنوانسیون سنگاپور قابل تأمل است. اینکه در مجموع با توجه به اهمیت بالقوه میانجی‌گری برای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی، دولت چین در راستای اصلاح قوانین و مقررات داخلی خود برای تمهید میانجی‌گری در امور تجاری بین‌المللی تمایل و گرایش زیادی دارد و الحاق به کنوانسیون سنگاپور در جهت تسریع این مهم و انطباق با استانداردهای بین‌المللی، گام مؤثری به‌شمار می‌آید (CHUA(a), 2019: 9-12).

1. the Mediation Centre of the China Council for the Promotion of International Trade/China Chamber of International Commerce (CCPIT/CCOIC Mediation Centre)
 2. Beijing Arbitration Commission Mediation Centre
 3. CCPIT/CCOIC Mediation Rules, Article 26.

۲. هند: با اینکه تاکنون پیشرفت چشمگیری در مورد میانجی‌گری تجاری بین‌المللی در این کشور وجود نداشته است، اما از منظر قانونگذاری و قضایی، حمایت زیادی از این شیوه داخلی حل‌وفصل اختلاف می‌شود. طی سال‌های اخیر تعدادی مراکز و مؤسسات میانجی‌گری تأسیس گردیده‌اند که این روند را بهبود بخشیده‌اند، از جمله مرکز میانجی‌گری دهلی^۱ و همچنین نهادهای خصوصی میانجی‌گری مانند مؤسسه میانجی‌گری و داوری هند^۲ در این زمینه نقش مهمی دارند. این موارد دلالت دارد بر اینکه شاهد افزایش مقبولیت میانجی‌گری و توسل به آن در این کشور هستیم. نکته قابل تأمل آن است که تاکنون تعریفی از میانجی‌گری در قوانین داخلی ارائه نشده، با اینکه استنادهای متعددی به آن شده است. از جمله مطابق قوانین آیین دادرسی هند، دادگاه می‌تواند به حل‌وفصل اختلافات خارج از دادگاه نیز استناد کند؛ از جمله مواردی که از طریق میانجی‌گری بوده است. همچنین یکی از اصلاحات مهم قانونی در این کشور، مربوط به قانون دادگاه‌های تجاری در سال ۲۰۱۸ است که به موجب آن، طرفین قبل از دادخواهی به دادگاه در اختلافات تجاری، باید از طریق میانجی‌گری سعی در حل‌وفصل اختلاف کنند (Leung, 2015: 133-134). موافقت‌نامه‌های ناظر بر حل‌وفصل مزبور باید مکتوب و توسط طرفین اختلاف و میانجی امضا شود و مفاد آنها از حیث اعتبار حقوقی و قابلیت اجرا، مشابه آرای داوری قلمداد شده است. نکته قابل تأمل آنکه، رویکرد قوانین و مقررات کشور هند در مورد میانجی‌گری، اغلب متمرکز بر اختلافات داخلی است و موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل مربوط به اختلافات تجاری بین‌المللی از حیث قابلیت اجرا با چالش‌هایی مواجه است. عضویت و اجرای کنوانسیون سنگاپور در جهت تعدیل این خلأ و شکاف حقوقی در این کشور اقدام مؤثری به‌شمار می‌آید (CHUA(a), 2019: 12-15).

۳. سنگاپور: نظام حقوقی سنگاپور از منظر میانجی‌گری، نظام پیشرفته‌ای است و اقدامات گسترده و جامعی انجام گرفته تا امروز این کشور به‌عنوان قطب حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی شناخته شود. تأسیس مؤسسات و نهادهای مختلف حل‌وفصل اختلاف، اهتمام بر یکپارچگی شیوه‌های داوری و میانجی‌گری و کاربرد مقتضی فناوری‌های مدرن در راستای تسهیل امور مربوطه از جمله ویژگی‌های سنگاپور است. مؤسسه بین‌المللی میانجی‌گری سنگاپور^۳ و شعب ماکسول^۴ از جمله نهادهای مطرح با حجم بسیار بالای مراجعات هستند. تصویب قانون میانجی‌گری در سال ۲۰۱۷ از دیگر اقدامات مهم به‌شمار می‌آید که مطابق آن، اعتبار و اجرای موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل ناشی از میانجی‌گری با رعایت شرایط و ضوابطی مشابه آرای محاکم خواهد بود (Lim & CHUA, 2019).

1. the Delhi Mediation Centre
2. the Indian Institute of Arbitration and Mediation
3. the Singapore International Mediation Institute (SIMI)
4. Maxwell Chambers
5. the Mediation Act

(2017: 18-22) در مجموع سنگاپور در زمینه میانجی‌گری موفق ارزیابی می‌شود: هم در عرصه عملی از حیث رویه قضایی و قانونگذاری و هم از حیث نظری و علمی و تئوری با وجود نهادهایی مانند آکادمی بین‌المللی حل و فصل اختلاف که زمینه‌ساز همکاری‌های مستمر و مؤثر بین‌المللی در زمینه ترویج و ترغیب میانجی‌گری است و به نظر می‌رسد وجه تسمیه کنوانسیون سنگاپور نیز بی‌ارتباط با این امر نباشد (CHUA(a), 2019: 17-20).

نتیجه‌گیری

میانجی‌گری به‌عنوان یکی از شیوه‌های انعطاف‌پذیر حل و فصل اختلافات بین‌المللی، به‌ویژه در اختلافات تجاری بین‌المللی مورد اقبال قرار دارد که با بیشترین سرعت و کمترین هزینه و در فضایی محرمانه، اختلاف را حل و فصل می‌کند. با وجود این، فقدان سازوکار اجرایی مؤثر برای موافقت‌نامه‌های حل اختلاف از طریق میانجی‌گری، مهم‌ترین مانع برای گرایش به این شیوه تلقی شده است، زیرا در حالی که معمولاً زمان و انرژی زیادی صرف انعقاد موافقت‌نامه شده است، چنانچه طرف مقابل از اجرای بعدی آن قصور کند، چاره‌ای جز توسل به دادخواهی یا داوری برای طرف خواهان اجرای موافقت‌نامه باقی نخواهد ماند و از این رو بیم تشدید اختلاف و صرف وقت و هزینه مضاعف در این شیوه حل و فصل اختلاف جدی است و کنوانسیون سنگاپور برای تعدیل این معضل حقوقی در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۸ نهایی شد و در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸ به تصویب مجمع عمومی رسید. در واقع کارکرد اصلی کنوانسیون سنگاپور تعدیل این معضل حقوقی و درصدد پاسخ به خلأهای موجود مبنی بر عدم تمایل به میانجی‌گری از بیم تشدید بعدی اختلافات در صورت توسل به این شیوه است. کنوانسیون سنگاپور با ایجاد نظام اجرایی برای موافقت‌نامه‌های حل و فصل اختلافات از طریق میانجی‌گری، مشابه نظام شناسایی و اجرای آرای داوری مندرج در کنوانسیون نیویورک را طراحی کرده است. بنابراین، هدف اصلی کنوانسیون سنگاپور، تمهید و تضمین اجرای میانجی‌گری برای حل و فصل اختلافات تجاری فرامرزی است، تدوین‌کنندگان کنوانسیون، درصدد برآمدند که مشابه اعتباری که کنوانسیون نیویورک به نهاد داوری داد، از طریق این کنوانسیون به میانجی‌گری اعطا شود. البته برای اینکه موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف مشمول کنوانسیون سنگاپور قرار گیرد، باید شیوه مندرج در آن میانجی‌گری پیش‌بینی شود و ماهیت اختلاف، بین‌المللی و موضوع ذی‌ربط تجاری باشد. در خصوص قلمرو موضوعی کنوانسیون سنگاپور، با توجه به تعریف و تفسیر موسع شرایط مقرر، رویکرد کلی همسو با ترغیب و تسهیل عضویت برای دولت‌هاست، به این ترتیب که انجام اصلاحات و تحولات وسیع قانونی در نظام داخلی مورد نیاز نباشد. اما سازوکار طراحی شده در کنوانسیون سنگاپور، در مقایسه با سازوکارهای موجود اجرای موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری، مشابه با سازوکار دستورالعمل میانجی‌گری اتحادیه اروپا ارزیابی می‌شود که با اصلاح برخی خلأها و ایرادات آن، مبتنی بر موازین و اقدامات ملی است و این امر، مستلزم تقویت و بهبود

ساختاری و هنجاری نظام حقوقی دولت‌های عضو خواهد بود. اهمیت این کنوانسیون در منطقه آسیا از حیث عملی و نظری، مضاعف ارزیابی می‌شود، چراکه میانجی‌گری در این منطقه به‌عنوان شیوه‌ای مقبول حل‌وفصل اختلافات تجاری و منطبق با حساسیت‌ها و فرهنگ رایج، مورد پذیرش است، اگرچه به‌دلیل برخی خلأهای قانونی و اجرایی، همچنان شیوه مرسوم و رایج میانجی‌گری در آسیا تا حدودی از استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد. در این وضعیت، با توجه به مفاد کنوانسیون سنگاپور از جمله اهداف، قلمرو موضوعی، شرایط اجرا، حق شرط و... چشم‌انداز اجرای آن در منطقه آسیا در صورت الحاق دولت‌های آسیایی بسیار مفید و موثر ارزیابی می‌شود، زیرا کنوانسیون سنگاپور با تمهید اجرای فرامرزی موافقت‌نامه‌های میانجی‌گری مشابه رأی دادگاه و رأی داوری، مسیری هموار و مؤثر را برای اجرای موافقت‌نامه‌های مزبور ایجاد خواهد کرد. همچنین اهتمام عملی برخی دولت‌ها از جمله چین، هند و سنگاپور در منطقه آسیا به تصویب قوانین داخلی و ایجاد سازوکارهای اجرایی تمهید میانجی‌گری طی سال‌های اخیر، دلالت بر احراز اهمیت و ضرورت مسئله دارد که می‌تواند بر عزم و تمایل دولت‌ها برای عضویت در کنوانسیون سنگاپور و اجرای آن دلالت داشته باشد. البته بدیهی است که ارزیابی قطعی با گذشت زمان و مشاهده اقدام عملی دولت‌ها در مواجهه با این معاهده بین‌المللی میسر خواهد بود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. صلح‌چی، محمدعلی؛ نژندی منش، هیبت‌الله (۱۳۷۸)، *حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی*، تهران: میزان.

ب) مقالات

۲. سلیمی، محسن؛ زارع، مهدی (۱۳۹۵)، «درآمدی بر میانجی‌گری در اختلافات بازرگانی»، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۳۰، صص ۸۱-۹۷.
۳. شهبازی‌نیا، مرتضی؛ ملک‌نیا، پریا (۱۳۹۵)، «محرمانگی در میانجی‌گری و تضمینات قانونی آن با بعد بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال پنجم، ش ۱۶، صص ۱۳۳-۱۴۸.
۴. نیکبخت، حمیدرضا؛ ادیب، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، «اصلاحگری» و «میانجی‌گری» به‌عنوان جایگزین روش‌های سنتی حل اختلافات مدنی - تجاری و امکان به‌کارگیری آنها در صنعت نفت»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۷۸، صص ۸۷-۸۱.

۲. انگلیسی

A) Book

1. Lee, Joel & Hwee, Teh Hwee (eds), (2009), *An Asian Perspective on Mediation. Singapore*, Academy Publishing.
2. Leung ,Raymond H M (ed), (2015), Hong Kong, *Asia Mediation Handbook*, Sweet & Maxwell.
3. Solhchi, M. & Najandimanesh, H. (1999), *International Disputes Settlement*, Tehran, Mizan Legal Foundation (In Persian).

B) Articles

4. Boulle, Laurence (2014), “International Enforceability of Mediated Settlement Agreements: Developing the Conceptual Framework”, *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, pp. 35-68.
5. Chua, Eunice (a), (2019), “Enforcement of International Mediated Settlement Agreements in Asia – A Path towards Convergence”, *Asian International Arbitration Journal*, Vol 15, No. 1, pp. 1-28.
6. CHUA, Eunice (2015), “The future of international mediated settlement agreements: Of conventions, challenges and choices”, *Singapore Management University, School of Law*, pp. 1-12.
7. CHUA, Eunice (2019), “The Singapore Convention on Mediation—A Brighter Future for Asian Dispute Resolution”, *Asian Journal of International Law*, Vol. 9, pp. 195-205
8. Heep, Jeremy & Martin, Adam R., (2020), A New Way to Enforce International Mediated Settlement Agreements Pepper Hmlilton LLP, Attorney at Law.
9. KOO, Anna K.C., (2017), “Enforcing International Mediated Settlement Agreements” in Muruga Perumal RAMASWAMY and João RIBEIRO, eds., *Harmonising Trade Law to Enable Private Sector Regional Development (UNCITRAL Regional Centre for Asia and the Pacific)*.
10. Lim, George & Eunice CHUA, (2017), “Development of Mediation in Singapore” in George LIM, SC and Danny MCFADDEN, eds., *Mediation in Singapore: A Practical Guide*, 2nd ed., Singapore: Sweet and Maxwell.
11. LO, Chang-Fa & d Winnie Jo-Mei MA, (2014), “Draft ‘Convention on Cross-Border Enforcement of International Mediated Settlement Agreements’” , *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, No. 2, pp. 389-403.
12. LO, Chang-Fa, (2014), “Desirability of a New International Legal Framework for Cross-Border Enforcement of Certain Mediated Settlement Agreements” *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, No. 1, pp. 6-135.
13. Mehrabi, Hassan Faraj & Sheikhattar, Hosna (2019), “the Singapore Mediation Convention: a promising start, an uncertain future” (In Persian).
available at:
<https://leidenlawblog.nl/articles/the-singapore-mediation-convention-a-promising-start-an-uncertain-future>
14. Nikbakht, Hamidreza & Adib, Ali Akbar (2017), “Conciliation and Mediation as

Alternative Dispute Resolution Mechanisms for Civil and Commercial Disputes and the Viability of their Application in the Petroleum Industry”, *Legal Research Quarterly*, Vol. 20, Issue 78, pp. 57-81 ([In Persian](#)).

15. Salimi, Mohsen & Zarem Mehdi (2016), “An Introduction to Mediation in Commercial Disputes”, *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*, No. 30, pp. 81-97 ([In Persian](#)).
16. Schnabel, Timothy (2019), “The Singapore Convention on Mediation: A Framework for the CrossBorder Recognition and Enforcement of Mediated Settlements”, *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, Vol. 19, No. 1, pp. 1-60.
17. Shahbazinia, Morteza & Maleknia, Parya (2016), “Confidentiality in Mediation and Its Legal Safeguards From International Perspective”, *Journal of Private Law Research*, Vol. 5, Issue 16, pp. 133-148 ([In Persian](#)).
18. Shi Yin, KIM (2014), “From ‘Face-Saving’ to ‘Cost Saving’: Encouraging and Promoting Business Mediation in Asia” , *Alternatives to the High Cost of Litigation*, Vol. 32, Issue 10, pp. 158-160 .
19. Žukauskaitė, Miglė (2019), “Enforcement of Mediated Settlement Agreements”, *Teise (Journal of Vilnius University)*, Vol. 111, pp. 205-217.

C) Documents

20. Report of Working Group II (Dispute Settlement) on the Work of its Sixty-fifth Session, UNCITRAL, UN Doc. A/CN.9/896 (2016).
21. Report of Working Group II (Dispute Settlement) on the Work of its Sixty-sixth Session, UNCITRAL, UN Doc. A/CN.9/901 (2017).
22. Report of Working Group II (Arbitration and Conciliation) on the Work of its Sixty-fourth Session ,UNCITRAL, UN Doc. A/CN.9/867 (2016).
23. The Hague Convention on Choice of Court Agreements (the Choice of Court Convention)
24. The Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (the New York Convention)
25. Report of Working Group II (Arbitration and Conciliation) on the Work of its Sixty-third Session, UNCITRAL, UN Doc. A/CN.9/861 (2015).
26. UNCITRAL, Report of Working Group II (Dispute Settlement) on the Work of its Sixty-eighth Session, UNCITRAL, UN Doc. A/CN.9/934 (2018).
27. International Institute for Conflict Prevention and Resolution, “Attitudes Toward ADR In the Asia-Pacific Region: A CPR Survey (2011).
28. Singapore Academy of Law, “Study on Governing Law and Jurisdiction Choices in Cross-Border (2016).
29. European Parliament and the Council of the European Union, Directive 2008/52/EC on certain aspects of mediation in Civil and Commercial matters, OJ, L-136, 2008.